

بررسی رابطه بین مالکیت و تصمیم به تغییر حسابرس در بورس اوراق بهادار تهران

مهدی مرادی¹

دانشیار حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد،

مشهد، ایران

مهدی امیدفر²

گروه حسابداری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد

اسلامی، مشهد، ایران

تاریخ دریافت: 1394/10/13 تاریخ پذیرش: 1395/5/11

چکیده

در این پژوهش، تأثیر ویژگی‌های نوع مالکیت سهامداران عمده، شامل سهامداران عمده برون‌سازمانی، سهامداران عمده درون‌سازمانی و برخی متغیرهای کنترلی دیگر؛ از جمله عوامل کیفی حسابرسی (شامل اندازه حسابرس و اظهار نظر حسابرس) همچنین عوامل شرکتی (شامل اندازه شرکت، اهرم و وضعیت سودآوری) بر نوع تغییر حسابرس در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است. در ارتباط با نقش سهامداران بزرگ در تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد شرکت‌های سهامی عام، ادبیات تحقیق دو دیدگاه متضاد را نشان می‌دهد؛ فرضیه نظارت فعال و فرضیه منافع شخصی. برای این امر، نمونه‌ای مشتمل بر 226 تغییر حسابرس رخ داده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های 1383 الی 1390 انتخاب گردید و فرضیه‌های پژوهش با استفاده از تحلیل رگرسیون حداقل مربعات مورد آزمون قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که یک رابطه مثبت و معنادار بین مالکیت درون‌سازمانی و تغییر منفی حسابرس (تغییر از یک موسسه حسابرسی بزرگ به موسسه‌ای کوچک) وجود دارد. به طور کل، نتایج این تحقیق در حمایت

1 - mhd_moradi@um.ac.ir

2 - نویسنده مسئول: Omidfaracc@mshdiau.ac.ir

از فرضیه منافع شخصی (فرصت طلبی) برای سهامداران عمده درون سازمانی می‌باشد؛ درحالی که شواهدی مبنی بر تأیید فرضیه نظارت فعال در خصوص سهامداران عمده برون سازمانی فراهم نگردید. شواهد به دست آمده، از این عقیده که پدیده تغییر حسابرِس در بازار سرمایه ایران بیشتر تحت تأثیر عوامل غیرمالی می‌باشد تا متغیرهای حسابداری، پیروی می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: سهامداران عمده برون سازمانی، تمرکز مالکیت، تغییر حسابرِس، کیفیت حسابرِس.
طبقه بندی JEL: B26, M42, M48.

1. مقدمه

وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل اتکا که محصول یک سیستم گزارشگری جامع و مناسب می‌باشد، از ارکان اصلی ارزیابی وضعیت و عملکرد یک شرکت و تصمیم‌گیری در مورد مبادله اوراق بهادار منتشره از سوی آن به حساب می‌آید. از دید استفاده‌کنندگان، اطلاعاتی قابل اتکا تلقی می‌شوند که یک سازمان مستقل بر فرایند گزارشگری شرکت‌ها نظارت نماید. حسابرسان با افزودن اتکاپذیری و تاییدپذیری گزارشگری مالی از طریق حسابرسی مستقل، ارزش افزوده ایجاد می‌نمایند. این امر از سه شکل کنترل ایجاد شده توسط آنها ناشی می‌شود: بازدارنده، کشف‌کننده و گزارشگری. درعین حال، اگر حسابرسان مستقل نباشند، آنها قادر به تأمین این کنترل‌ها و از این طریق، ایجاد ارزش افزوده برای گزارش‌های مالی نخواهند بود (Hudaib & Cook, 2005). استقلال حسابرِس یکی از مهمترین موضوعات در ادبیات تحقیق حسابرسی است که می‌تواند کیفیت حسابرسی را تحت تأثیر قرار دهد (Bolo et al., 2010). احتمال اینکه حسابرِس موارد تحریفات با اهمیت را کشف کند به شایستگی وی و احتمال این که بتواند موارد تحریفات با اهمیت کشف شده را گزارش کند، به استقلال او بستگی دارد. این تعریف بر این فرض استوار است که درک استفاده‌کنندگان از کیفیت حسابرسی (استنباط بازار) بیانگر کیفیت واقعی حسابرسی می‌باشد (Abbaszadeh et al., 2013).

بر اساس تئوری نمایندگی، مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی ساختار یافته باید منجر به گزارشگری مالی با کیفیت بالاتری شود؛ از آنجایی که تمرکز مالکیت به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده با اهمیت سازوکار حاکمیت شرکتی مشاهده شده (Mashayekh & Abdolahi,)

2011)، به نظر می‌رسد هویت مالکان کنترل‌کننده بتواند نقش اساسی در رابطه با کیفیت حسابرسی و در نتیجه بهبود کیفیت اطلاعات ایفا نماید. تمرکز مالکیت ممکن است با افزایش نظارت و حذف مشکل سواری مجانی، باعث ایجاد تغییرات مثبت در شرکت شود، از سوی دیگر سهامداران بزرگ و مالکان مدیر ممکن است از حقوق کنترلی خود برای کسب منافع شخصی استفاده نمایند و موجب استثمار حقوق سایر سهامداران شوند (Ebrahimi Kordlor & Erabi, 2010). این احتمالات و عدم مشخص بودن تأثیر تمرکز مالکیت بر ابعاد مختلف شرکت، باعث ارائه نظریه‌های مختلفی در ارتباط با رفتار سهامداران عمده شده است؛ و نویسندگان در تحقیقات خود گاه به نتایجی متناقض دست یافته‌اند.

در این مطالعه، با کنترل عوامل مهمی از جمله عوامل کیفی حسابرسی (شامل اندازه حسابرس و اظهارنظر حسابر) همچنین عوامل شرکتی (شامل اندازه شرکت، اهرم و وضعیت سودآوری)، به‌طور تجربی به بررسی رابطه بین نوع تمرکز مالکیت شرکتی، به‌عنوان یکی از مکانیزم‌های خارجی حاکمیت شرکتی با نوع تغییر حسابر در میان شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران پرداخته می‌شود. بررسی وضعیت‌هایی که منجر به قطع رابطه حسابر-صاحبکار می‌شود، می‌تواند در شناسایی عواملی که در انتخاب حسابر حیاطی هستند، مؤثر باشد؛ که بدین وسیله مبنایی برای ارزیابی اهمیت جنبه‌های گوناگون محصول حسابرسی فراهم می‌شود (Mahdavi & Ebrahimi, 2010).

باقیمانده این مقاله شامل پنج بخش زیر است. در بخش نخست، به بحث ادبیات و پیشینه تحقیق پرداخته می‌شود. در بخش بعد، فرضیه‌های تحقیق و به دنبال آن روش تحقیق ارائه می‌گردد. پس از آن، به بیان آمار توصیفی همچنین نتایج تحقیق پرداخته؛ و در نهایت مقاله با نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها تحقیق به پایان می‌رسد.

2. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

1,2 مبانی نظری

در سال‌های اخیر، ساختار مالکیت متمرکز و تأثیر آن بر ابعاد مختلف شرکت‌ها، از جمله کیفیت حسابرسی به دلیل رواج آن در اکثر کشورها و به خصوص در میان اقتصادهای در حال رشد و بازارهای نوپای اروپا و آسیا، به‌عنوان یکی از مسائل مهم در ادبیات حاکمیت شرکتی

مطرح شده است. طبق تحقیقات انجام شده، سهامدار اصلی -به عنوان بزرگ ترین سهامدار- و سهامداران عمده بخش عمده ای از سهام شرکت همچنین کنترل آن را در اختیار دارند. همچنین آنها معمولاً در هیات مدیره شرکت حضور دارند و بنابراین در تعیین سمت و سوی جلسات هیات مدیره مؤثر هستند (Abdullah et al., 2010) بنابراین، درصد بیشتر سهام نگهداری شده به وسیله سهامداران عمده، برابر با این است که آنها روی مدیریت نفوذ بیشتری دارند. در این ارتباط، دو دیدگاه متضاد درباره نقش مالکان بزرگ در شرکت ها وجود دارد.

1,1,2 فرضیه نظارت فعال

بر اساس نظریه جنسن و مک لینگ (Jensen & Meckling, 1976)، پایه و اساس مطالعات حاکمیت شرکتی تئوری نمایندگی است. در شرکت های سهامی عام، سهامداران اختیار تصمیم گیری را به مدیران (نمایندگان) خود تفویض می نمایند. همگرایی منافع می تواند با افزایش مالکیت مالکان عمده، خصوصاً توسط مالکانی که جزء مدیران شرکت نیز می باشند، ایجاد شود و هزینه های نمایندگی را کاهش دهد. در این حالت مالک اصلی در جهت حداکثر سازی ارزش شرکت رفتار می کند. محققان ادعا می نمایند که سرمایه گذاران دارای مالکیت زیاد، انگیزه زیادی برای نظارت عملکرد شرکتی دارند؛ زیرا آنها به طور بالقوه بیشترین منفعت را از این نظارت می برند و از حق رأی بیشتری برخوردار می باشند؛ که این امر اقدامات لازم را در صورت لزوم سهولت می بخشد. هنگامی که مالکیت سهامدار اصلی زیاد باشد، نظارت وی بر شرکت و فرایند کلی گزارشگری مالی به دلیل منافع شخصی افزایش می یابد (Han et al., 2009). در این ارتباط، سجادی و همکاران (Sajjadi et al., 2009) در بازار سرمایه ایران نیز دریافتند که ساختار مالکیت (پراکنده) رابطه منفی با کیفیت گزارشگری مالی دارد. این نتایج دلالت بر تأثیر مثبت سهامداران عمده بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت ها دارد. در تحقیقی دیگر ابراهیمی کردلر و اعرابی (Ebrahimi Kordlor & Erabi, 2010) رابطه بین تمرکز مالکیت و کیفیت سود را طی سال های 1381-1385 بررسی نمودند. آنها دریافتند که تمرکز مالکیت برون سازمانی به بهبود کیفیت سود منجر می شود (تائید فرضیه نظارت فعال) در حالی که به شواهد قانع کننده ای در ارتباط با تأثیر گذاری سهامداران عمده درون سازمانی بر کیفیت سود دست نیافتند.

در ارتباط با رابطه بین مالکیت عمده و کیفیت حسابرسان، هان و همکاران (Han et al., 2009)

به بررسی این موضوع پرداختند که چگونه مالکیت نهادی، کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به اعتقاد آنها سرمایه‌گذاران نهادی از توانایی تحت تأثیر قرار دادن سیاست‌های شرکتی به منظور اعمال مکانیزم‌های حاکمیتی در جهت کاهش هزینه‌های نظارت برخوردار می‌باشند. شواهد آنها نشان داد که شرکت‌ها بیشتر احتمال دارد حساب‌برسان 4-بزرگ را، وقتی میزان مالکیت نهادی بلندمدت زیاد است، بکار ببرند. این موضوع نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران نهادی بلندمدت حسابرسی با کیفیت بالا را به عنوان روشی برای بهبود حاکمیت شرکتی می‌دانند؛ در حالی که هزینه‌های نظارتی آنها را نیز کاهش می‌دهد. همچنین مهدوی و همکاران (Mahdavi et al., 2011) در تحقیقی طی دوره 1380-1388 دریافتند که یک رابطه مثبت و معنادار میان تمرکز مالکیت (با استفاده از شاخص هرفیندال) و اندازه موسسه حسابرسی وجود دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که دارای تمرکز مالکیت بیشتری می‌باشند، از خدمات حساب‌برسان با کیفیت بالاتری استفاده می‌نمایند.

2,1,2 فرضیه منافع شخصی

طرفداران فرضیه منافع شخصی بر این باورند که احتمال بیشتری وجود دارد که سرمایه‌گذاران بزرگ از منافع خاصی، همچون دسترسی به اطلاعات محرمانه؛ که می‌تواند در جهت اهداف معاملاتی و کسب منافع شخصی مورد استفاده قرار گیرد، بهره ببرند. در این ارتباط، لاپورتا و همکاران (La Porta et al., 2002) نشان دادند در کشورهای در حال رشد، سهامداران دارای کنترل می‌توانند حقوق سهامداران اقلیت را از طریق رفتارهای متقلبانانه استثمار نمایند (به نقل از Lin & Liu, 2010). نتایج فن و ونگ (Fan & Wong, 2002) همچنین بیون و همکاران (Byun et al., 2011) در خصوص محتوای اطلاعاتی سود، و ژونگ و همکاران (Zhong et al., 2007) در خصوص مدیریت سود در حمایت از این فرضیه بود. فن و ونگ (Fan & Wong, 2002) دریافتند مدیرانی که منافع کنترلی دارند اطلاعات حسابداری را برای اهداف شخصی خودشان گزارش می‌نمایند که باعث می‌شود سود گزارش شده برای سرمایه‌گذاران بیرونی فاقد اتکاپذیری باشد. صادقی و همکاران (Sadeghi et al., 2014) گزارش نمودند که تمرکز مالکیت احتمال در ماندگی مالی شرکت‌ها را افزایش می‌دهد. در تحقیقی دیگر که توسط حساس یگانه و شهریاری (Hassas Yeganeh & Shahriary, 2010) انجام شد؛ آنها دریافتند که با افزایش تمرکز

مالکیت (سهامداران عمده) محافظه کاری کاهش می یابد. آنها همچنین گزارش نمودند که نتایج - شان در خصوص سهامداران عمده مطابق فرضیه فرصت طلبی می باشد.

3,1,2 دلایل تغییر حسابرس

تغییر حسابرس از نظر درک وضعیت بازار خدمات حسابرسی و میزان رقابت در حرفه حسابرسی اهمیت ویژه ای دارد. الزامات افشاء و عکس العمل بازار در قبال تغییر حسابرس باهدف دلسرد کردن مدیریت صاحبکار برای اخذ گزارش های حسابرسی مطلوب و یا مجوز استفاده از روش های حسابداری خاص ایجاد شده اند. بعلاوه هدف الزامات این است که حسابرس با استقلال بیشتری به اتخاذ موضع پردازد که لزوماً منطبق با ترجیحات مدیریت هم نیست (Nikomaram & Movakel, 2014). طبق بیانیه مفاهیم استقلال، آشنایی یکی از عوامل تهدید کننده استقلال است. تداوم همکاری حسابرس و صاحبکار رابطه نزدیک بین دو طرف را در پی دارد. این رابطه صمیمانه ممکن است به کوتاه آمدن حسابرس در اختلاف نظرهای پیش آمده در حین کار حسابرسی یا حتی تبانی بین حسابرس و مدیریت صاحبکار منجر شود. تجربه رابطه شرکت انرون و موسسه حسابرسی آرتور اندرسون مثال خوبی برای نزدیکی بیش از حد حسابرس به مدیریت است. این رسوایی ها توجهات را به سمت تأثیر منفی عدم تغییر حسابرس بر استقلال و کیفیت حسابرسی جلب کرد و گرایش به اعمال تغییر اجباری حسابرس را به همراه داشت (International Organization of Securities Commissions, 2005).

محققانی چون چای و هونگ (Chi & Huang, 2005) نشان دادند که تغییر حسابرس باعث تقویت استقلال حسابرس می شود و دلیل خود را چنین بیان می کنند که با تداوم انتخاب حسابرس انگیزه های اقتصادی وی برای حمایت از صاحبکار خود افزایش می یابد و نهایتاً منجر به شکست حسابرسی می شود. در حمایت از تغییر اجباری حسابرسان پژوهشگران (Chi & Huang, 2005)؛ Cohen et al., 2008) بیان می کنند که اعمال قانون تغییر اجباری حسابرس، منجر به افزایش کیفیت حسابرسی شود. نتایج تحقیق کریشانان (Krishnan, 2007) حاکی از آن بود که صاحب کاران موسسه حسابرسی آرتور اندرسون که بعد از فروپاشی این موسسه در سال 2002 مجبور به تغییر حسابرس خود شده بودند، نسبت به قبل سودهای محافظه کارانه تری گزارش می کردند. به اعتقاد وی این یافته ها حاکی از آن است که حسابرسان و مدیران شرکت ها، به ویژه

حسابرسان و مدیران شرکت‌های بزرگ، از محافظه‌کاری به‌عنوان یک راهبرد مدیریت ریسک بهره می‌گیرند. شناسایی سریع‌تر اخبار ناخوشایند درباره وضعیت، عملکرد مالی و جریان‌های نقدی آتی می‌تواند یک سپر دفاعی در برابر طرح دعاوی حقوقی بالقوه علیه حسابرسان و مدیران شرکت‌ها باشد.

در همین ارتباط، تحقیقاتی وجود دارد که مخالف تغییر مکرر حسابرس می‌باشند. از دید مخالفان این سیاست، تداوم همکاری حسابرس و صاحبکار، ریسک حسابرسی را کاهش می‌دهد. از این جهت که در محیط اقتصادی امروز با وجود فعالیت‌های اقتصادی متنوع و ساختار پیچیده روابط اقتصادی، کسب شناخت برای حسابرس کار بسیار مشکلی است و طبیعتاً نیاز به زمان دارد. علاوه بر این منتقدان به این نکته اشاره دارند که حفظ اعتبار و شهرت و نیز الزام اجرای استانداردها، برای حسابرس انگیزه رعایت استقلال را به وجود می‌آورد (Government Accountability Office. GAO, 2003).

2.2 پیشینه تحقیق

طی سه دهه گذشته، علاقه به بررسی و مطالعه پدیده تغییر حسابرس در میان دانشگاهیان و متصدیان حرفه افزایش یافته است. انگیزه آنها از پژوهش در این زمینه ناشی از نیاز به درک بهتر تقاضا برای خدمات حسابرسی می‌باشد؛ زیرا بررسی موضوع تغییر حسابرس بر درک عوامل مؤثر بر بازار خدمات حسابرسی و کیفیت حسابرسی مؤثر است (Mahdavi & Ebrahimi, 2010). در ادامه به توضیح برخی از تحقیقات داخلی و خارجی انجام شده در این زمینه پرداخته می‌شود. در ارتباط با تحقیقات خارجی، تحقیق لین و لیو (Lin & Liu, 2010) از جمله مطالعات مرتبط با تغییر حسابرس می‌باشد که از دیدگاه حاکمیت شرکتی در چین بررسی شده است. آنها دریافتند شرکت‌های با تمرکز مالکیت بالا (با استفاده از درصد مالکیت بزرگ‌ترین سهامدار) بیشتر احتمال دارد که حسابرس خود را به یک موسسه حسابرسی کوچک‌تر تغییر دهند. آنها همچنین گزارش نمودند که قدرت مدیرعامل (یکی بودن مدیرعامل و رئیس هیات مدیره) اهرم و رشد شرکت به‌طور مثبت همچنین اندازه شرکت به‌طور منفی با تغییر منفی حسابرس (تغییر از یک موسسه حسابرسی بزرگ به موسسه کوچک) مرتبط است. در تحقیقی دیگر، تو (Tu, 2012) یک رابطه مثبت میان تغییر کنترلرها (شامل تغییر سهامداران دارای کنترل، مدیران و مدیرعامل) با تغییر

حسابرس دریافت. همچنین لی و همکاران (Lee et al., 2003) دریافتند که تغییر حسابرس یک رابطه منفی با اندازه شرکت و یک رابطه مثبت با ریسک شرکت، اظهارنظر مشروط سال قبل و انتشار سهام دارد. هودیَب و کوک (Hudaib & Cook, 2005) در انگلستان همچنین گول و همکاران (Gul et al., 1992) در بازار مالزی دریافتند که احتمال تغییر حسابرس با اظهارنظر مشروط افزایش می‌یابد.

در این میان، همچنین برخی تحقیقات به بررسی عواقب تجدید ارائه‌ها پرداخته‌اند. در تحقیقی، اسپیندر (Schneider, 2015) با استفاده از رویکرد رفتاری نشان داد که تغییر حسابرس موجب ایجاد ریسک سرمایه‌گذاری می‌شود. به عبارت دیگر، تحقیق آنها نشان داد که وقوع تغییر حسابرس بر تصمیمات سرمایه‌گذاری افراد تأثیرگذار است. همچنین چوی و همکاران (Choi et al., 2015) دریافتند که تغییر حسابرس با نقدینگی کمتر سهام وابسته است که این تأثیر برای شرکت‌های دارای تغییر منفی حسابرس بیشتر است. همچنین برخی تحقیقات از جمله مایر (Myer, 2005) مؤید این است که تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌تواند با تغییر حسابرس شرکت در ارتباط باشد. نتایج پژوهش استنلی و دی زورت (Stanley & DeZoort, 2007) حاکی از رابطه منفی و معنادار بین تغییر حسابرس و میزان تجدید ارائه سود حسابداری است. کیم و همکاران (Kim et al., 2004) طی تحقیقاتی که در بازار کره انجام دادند دریافتند سطح تعهدی‌های اختیاری به دنبال تغییر حسابرس کاهش می‌یابد. به اعتقاد آنها اعمال هرگونه محدودیت بر روابط حسابرس و صاحبکار، کیفیت حسابرسی را بهبود می‌دهد. میترا و همکاران (Mitra et al., 2015) نیز گزارش نمودند که افزایش محافظه‌کاری خصوصاً برای شرکت‌های با ساختار حاکمیت شرکتی ضعیف‌تر پس از تغییر منفی حسابرس (تغییر به موسسه حسابرسی کوچک‌تر) آشکار می‌باشد؛ که این امر تحت تأثیر اخراج یا استعفای خود حسابرس نبوده است.

در تحقیقات انجام شده داخلی، محرمی (Moharami, 1999) با استفاده از ابزار پرسشنامه به بررسی عوامل مؤثر بر تغییر حسابرسان مستقل پرداخت. وی دریافت که تغییر مدیریت، کیفیت حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی، درستکاری صاحبکار، تحویل به‌موقع گزارش حسابرسی و همچنین تجربه کم گروه حسابرسی از عوامل مهم تغییر حسابرس به شمار می‌آیند. باقرپور و همکاران (Bagherpour et al., 2009) نیز با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌ها طی سال‌های 1378 الی 1382 در محیط ایران، دریافت که تغییر مدیرعامل، اظهارنظر سال قبل، مدیریت سود، افزایش

رقابت و تعادل حسابرس-صاحبکار (دولتی و خصوصی بودن آنها) از عوامل مؤثر بر تغییر حسابرس در بازار سرمایه ایران می‌باشند. در این میان تمرکز مالکیت (تعداد سهامداران عمده) و خصوصی‌سازی با تغییر حسابرس بی‌ارتباط بود. رضازاده و زارعی مروج (Rezazadeh & Zarei, 2009) نیز دریافتند که تغییر مدیریت، حق‌الزحمه حسابرس و اندازه شرکت به‌طور مثبت و اظهارنظر مشروط سال قبل حسابرس به‌طور منفی با تغییر حسابرس مرتبط است. تحقیق آنها مرتبط با نمونه‌ای از شرکت‌ها در سال 1381 بود. روحی و ایمان زاده (Rohi & Imanzadeh, 2009) گزارش نمودند که تغییر مدیریت، اندازه شرکت، حق‌الزحمه حسابرس، اندازه حسابرس و نرخ بازده سرمایه‌گذاری به‌طور مثبت با تغییر حسابرس مرتبط است.

بنی مهد و اکبری (Banimahd & Akbari, 2010) به بررسی رابطه بین شاخص ورشکستگی آلتمن و تغییر حسابرس پرداختند. آنها دریافتند که شاخص ورشکستگی آلتمن و اندازه شرکت رابطه معناداری با تغییر حسابرس ندارد اما در عوض اظهارنظر غیرمقبول سال قبل و اهرم به‌طور مثبت و تغییر مالکیت به‌طور منفی با تغییر حسابرس مرتبط می‌باشند. در تحقیقی دیگر، بنی مهد و فلاح میرعباسی (Banimahd & Fallah Mirabbasi, 2010) به بررسی ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری با تغییر حسابرس (دوره 1380-1386) پرداختند. آنها دریافتند هیچ یک از متغیرهای محافظه‌کاری، مدیریت سود، اندازه شرکت و شاخص ورشکستگی آلتمن ارتباط معنی‌داری با تغییر حسابرس ندارند. آنها استدلال نمودند که تغییر حسابرس بیشتر تحت تأثیر عوامل غیرمالی است تا متغیرهای حسابداری. همه‌خانی و پرواره (Hamekхани & Parvareh, 2012) با استفاده از پرسشنامه دریافتند که تغییر مدیریت، نوع اظهارنظر حسابرس، کیفیت حسابرس، اندازه شرکت، فعالیت‌های تأمین مالی، حق‌الزحمه حسابرس، رشد شرکت و اهرم مالی از عوامل مؤثر بر تغییر حسابرس در ایران می‌باشند. در نهایت، باقر پور و همکاران (Bagherpour et al, 2012) در تحقیقی به پیش‌بینی تغییر حسابرس مستقل با استفاده از تکنیک‌های داده‌کاوی (شامل روش‌های درخت تصمیم و شبکه‌های عصبی مصنوعی) طی سال‌های 1382-1388 در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. مطابق با نتایج این تحقیق بااهمیت‌ترین متغیرها جهت پیش‌بینی تغییر حسابرس مستقل به ترتیب تغییر مدیریت عامل از طبقه حاکمیت شرکتی، لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها (از طبقه اندازه شرکت)، مدیریت سود و خصوصی‌سازی (از طبقه حاکمیت شرکتی) می‌باشند.

3,2 فرضیه‌های تحقیق

به نظر می‌رسد تفاوت نتایج کسب شده در تحقیقات قبلی مبنی بر نقش سهامداران بزرگ، به دلیل عدم تفکیک دقیق نوع مالکیت می‌باشد. نگاه دقیق‌تر به تمرکز مالکیت در تحقیقات انجام شده، نشان می‌دهد که تفاوتی بین الگوی رفتاری انواع سهامداران عمده در سازمان‌ها وجود دارد. به‌عنوان مثال، ابراهیمی کردلر و اعرابی (Ebrahimi Kordlor & Erabi, 2010) دریافتند که تمرکز مالکیت "برون‌سازمانی" ارتباط مثبت و معنی‌دار با کیفیت سود دارد در حالی که شواهد قانع‌کننده‌ای در ارتباط با تأثیرگذاری سهامداران عمده درون‌سازمانی بر کیفیت سود نیافتند. کرمی و همکاران (Karami et al., 2010) یک رابطه مثبت بین مالکیت "اعضای هیات مدیره" و محافظه‌کاری حسابداری دریافتند، در حالی که رابطه معنی‌داری برای سهامداران نهادی پیدا نشد. ترانگ و هنی (Truong & Heaney, 2007) دریافتند شرکت‌ها بیشتر احتمال دارد سود سهام پرداخت کنند وقتی بزرگ‌ترین سهامدار "داخلی" نباشد؛ همچنین وقتی بزرگ‌ترین سهامدار داخلی باشد، مبالغ سود سهام کاهش می‌یابد. فیصلی (Feisali, 2011) دریافت هرچه نفوذ مدیران بیشتر باشد، احتمال انتخاب حسابرسان با کیفیت بالا کاهش می‌یابد. بن علی و لی سیج (Ben Ali & Lesage, 2010) دریافتند که بین حق‌الزحمه حسابرسان و مالکیت "مدیریتی" یک رابطه منفی وجود دارد. آدیمی و فاقیمی (Adeyemi, S.B; Fagbemi, 2010) دریافتند که مالکیت مدیران "غیر اجرایی" کیفیت حسابرسان را افزایش می‌دهد. عبدالله و همکاران (Abdullah et al., 2010) نیز گزارش نمودند که مالکیت مدیران "اجرایی" و "غیر اجرایی" با اندازه حسابرسان رابطه معناداری ندارد، اما علامت آنها در نتایج به‌دست آمده به ترتیب "منفی" و "مثبت" است. ستایش و همکاران (Setayesh et al., 2010) یک رابطه مثبت بین مالکیت "مدیریتی" و هموارسازی سود گزارش نمودند. در همین حال، استا (Osta, 2011) رابطه معنادار مثبت برای مالکیت "نهادی" و "مدیریتی" و یک رابطه منفی برای مالکیت "شرکتی" با مدیریت سود گزارش نمود.

با توجه به نتایج فوق، می‌توان دریافت که الگوی رفتار گروه‌های مختلف سهامداران عمده یکسان نیست. مطابق نتایج ارائه‌شده، به نظر می‌رسد که رفتار سهامداران عمده درون‌سازمانی (مالکان مدیر) بیشتر مطابق فرضیه منافع شخصی و رفتار سهامداران عمده برون‌سازمانی بیشتر منطبق با فرضیه نظارت فعال باشد. یکی از دلایل این امر می‌توان نزدیکی یا دوری این سهامداران نسبت به عملیات شرکت دانست. به نظر می‌رسد، سهامداران عمده داخلی برخلاف

سهامداران عمده خارجی، به دلیل نزدیکی بیشتر به عملیات شرکت، کمتر علاقه‌مند به به کارگیری حسابرسان با کیفیت بالاتر باشند؛ بنابراین، با توجه به تأثیر زیاد سهامداران عمده بر تصمیمات شرکتی، به نظر می‌رسد که یکی از عوامل مهم تغییر حسابرسان، مالکیت شرکت‌ها باشد؛ که این تغییر می‌تواند مثبت (تغییر از حسابرس کوچک به حسابرس بزرگ) یا منفی (تغییر از حسابرس بزرگ به حسابرس کوچک) رخ دهد. بر این اساس، دو فرضیه مطرح می‌باشد که به صورت زیر ارائه می‌شود:

- فرضیه 1: طبق فرضیه منافع شخصی، با افزایش تمرکز مالکیت درون‌سازمانی، احتمال تغییر حسابرس شرکت به یک موسسه حسابرسی کوچک‌تر (تغییر منفی حسابرس) افزایش می‌یابد.
- فرضیه 2: فرضیه نظارت فعال، با افزایش تمرکز مالکیت برون‌سازمانی، احتمال تغییر حسابرس شرکت به یک موسسه حسابرسی بزرگ‌تر (تغییر مثبت حسابرس) افزایش می‌یابد.

3. روش تحقیق

1,3 جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی 1383 الی 1390 (دوره 8 ساله) می‌باشند. در این پژوهش برای انتخاب روش نمونه‌گیری مطابق اکثر پژوهش‌هایی که در ایران انجام شده از نمونه‌برداری غیر احتمالی هدف‌دار استفاده شده است. در طرح نمونه‌گیری غیر احتمالی، اعضای از جامعه آماری انتخاب می‌شوند که با معیار یا معیارهای خاصی که پژوهشگر در نظر دارد، مطابقت داشته باشد. در این پژوهش، نمونه با کل جامعه آماری شروع و پس از در نظر گرفتن شرایط زیر نمونه انتخاب شده است:

1. شرکت‌هایی که قبل از سال 1383 در بورس پذیرفته شده باشند؛
2. در طول دوره تحقیق سال مالی خود را تغییر نداده باشند؛
3. جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ (مالی) نباشند؛

4. تغییر حسابرس طبق مصوبه شورای عالی بورس اجباری نباشد¹؛

5. اطلاعات مورد نیاز تحقیق آن شرکت‌ها در دسترس باشد.

پس از اعمال ملاک‌های ذکر شده برای تعیین نمونه، 1235 مشاهده شرکت-سال در بین سال‌های 1383-1390 به دست آمد. در نهایت، برای حذف انحراف ناشی از مقادیر خاص، اقدام به حذف مشاهدات با بیش از 3 انحراف معیار از میانگین برای تمام متغیرها گردید. بدین ترتیب نمونه نهایی این تحقیق پس از حذف مشاهده پرت به تعداد 1220 مشاهده سال-شرکت کاهش یافت؛ که بدون در نظر گرفتن شرکت-سال‌های بدون تغییر حسابرس، نمونه نهایی تحقیق به 226 مشاهده تقلیل یافت؛ که این نمونه مبنای تجزیه و تحلیل فرضیه‌های تحقیق قرار می‌گیرند. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش، از آنجا که متغیرهای وابسته در این تحقیق از نوع مصنوعی هستند؛ از روش تجزیه و تحلیل آماری رگرسیون لجستیک استفاده شده است. داده‌های تحقیق از پایگاه داده ره‌آورد نوین همچنین صورت‌های مالی شرکت‌ها از سایت اینترنتی RDIS گردآوری و به کمک نرم‌افزار SPSS18 تحلیل شده است.

2,3 مدل‌های تحقیق

با توجه به تفکیک نوع سهامداران عمده، مدل‌های تحقیق به شرح ذیل می‌باشند:

$$\text{NeSwitch}_t = \beta_0 + \beta_1 \text{INBlock}_t + \beta_2 \text{AuSize1}_{t-1} + \beta_3 \text{OPI}_{t-1} + \beta_4 \text{FmSize}_t + \beta_5 \text{LEV}_t +$$

$$\beta_6 \text{Loss}_t + \beta_j \sum_{j=7}^{20} \text{Industries} + \beta_k \sum_{k=21}^{28} \text{Years} + \varepsilon. \quad \text{مدل تحقیق برای آزمون فرضیه نخست}$$

$$\text{PoSwitch}_t = \beta_0 + \beta_1 \text{OUTBlock}_t + \beta_2 \text{AuSize2}_{t-1} + \beta_3 \text{OPI}_{t-1} + \beta_4 \text{FmSize}_t + \beta_5 \text{LEV}_t$$

$$+ \beta_6 \text{Loss}_t + \beta_j \sum_{j=7}^{20} \text{Industries} + \beta_k \sum_{k=21}^{28} \text{Years} + \varepsilon. \quad \text{مدل تحقیق برای آزمون فرضیه دوم}$$

3,3 متغیرهای تحقیق

تغییر منفی حسابرس (NeSwitch): به‌عنوان متغیر وابسته تحقیق در فرضیه نخست، اگر

1 طبق این دستورالعمل، موسسات حسابرسی و شرکای مسئول کار حسابرسی هر یک از اشخاص حقوقی مجاز نیستند بعد از گذشت چهار سال مجدداً سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت مذکور را بپذیرند.

حسابرس شرکت نسبت به سال قبل از "سازمان حسابرسی" به یک موسسه حسابرسی کوچک تغییر کرده باشد، عدد یک در غیر این صورت صفر تعریف می شود.

تغییر مثبت حسابرس (PoSwitch): به عنوان متغیر وابسته تحقیق در فرضیه دوم، اگر حسابرس شرکت نسبت به سال قبل از یک موسسه حسابرسی کوچک به "سازمان حسابرسی" تغییر کرده باشد، عدد یک در غیر این صورت صفر تعریف می شود.

سهامداران عمده درون سازمانی (INBlock): به عنوان متغیر تحت بررسی در فرضیه نخست، مجموع درصد مالکیت متعلق به سهامداران عمده ای که عضو هیات مدیره شرکت می باشند، تعریف شده است.

سهامداران عمده برون سازمانی (OUTBlock): به عنوان متغیر تحت بررسی در فرضیه دوم، مجموع درصد مالکیت متعلق به سهامداران عمده ای² که عضو هیات مدیره شرکت نمی باشند، تعریف شده است.

طبق تحقیقات گذشته در این مطالعه نیز علاوه بر متغیرهای تحت بررسی؛ از سایر متغیرهایی که می توانند تغییر حسابرس را تحت تأثیر قرار دهند؛ به عنوان متغیر کنترل استفاده گردیده است. در این ارتباط، رضازاده و زارعی مروج (Rezazadeh & Zarei Moraveg, 2009) دریافته اند که کیفیت کار حسابرسان (اندازه گیری شده به وسیله اندازه حسابرس) عامل افزایش دهنده تغییر آنها می باشد. همچنین نونهال نهر و همکاران (Nonahal Nahr et al., 2010) دریافته اند که حسابرسی شده به وسیله حسابرسان با کیفیت بالاتر دارای ضریب پایداری اقلام تعهدی بیشتری می باشند و در نتیجه قابلیت اتکای اقلام تعهدی بالایی دارند. بنابراین می توان استدلال نمود که عمل مدیریت سود در شرکت های با حسابرسان با کیفیت بالاتر محدودتر است که این امر می تواند منجر به تغییر آنها شود. در این مطالعه، همانند تحقیقات قبلی (مانند Sajjadi et al., 2009) نوع موسسه حسابرسی به دو طبقه "سازمان حسابرسی" و سایر مؤسسات تقسیم می شود. برای این منظور، در فرضیه نخست اگر حسابرس شرکت در سال قبل از تغییر حسابرس "سازمان حسابرسی" باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر تعریف می شود (AuSize1)؛ و در فرضیه

2. در این تحقیق، تعریف سهامداران عمده شامل مالکان بیش از 5 درصد سهام منتشر شده شرکت می باشد.

دوم، اگر حسابرِس شرکت در سال قبل از تغییر حسابرِس غیر از "سازمان حسابرِس" باشد، عدد یک و در غیر این صورت صفر تعریف می شود (AuSize2). تحقیقات زیادی نشان می دهد که اظهارنظر مشروط سال قبل حسابرِس از عوامل مؤثر بر پدیده تغییر حسابرِس می باشد (Gul et al., 1992; Lee et al., 2003; Hudaib & Cook, 2005; Bagherpour et al., 2009; Banimahd & Akbari, 2010). بدین ترتیب، برای شرکتی که در سال قبل از تغییر حسابرِس اظهارنظر مشروط (OPI) دریافت نموده باشد، عدد یک و در غیر این صورت صفر تعریف می شود.

یکی دیگر از متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت می باشد. لین و لیو (Lin & Liu, 2010) استدلال می کنند از آنجا که تحلیل گران و جراید مالی تغییر حسابرِس شرکت های بزرگ را به دقت دنبال می کنند، آنها کمتر انگیزه دارند که حسابرِس شان را به یک حسابرِس کوچک تر تغییر دهند. تحقیقات دیگر نیز نشان می دهد؛ از آنجا که معمولاً عملیات شرکت ها پیچیده تر می شود، آنها مجبور می شوند به حسابرِس بزرگ تر رو بیاورند (بینید: Lin & Liu, 2010). همچنین مطالعات متعدد نشان می دهند شرکت های کوچک تر بیشتر احتمال دارد که اظهارنظر مشروط دریافت کنند که متعاقباً حسابرِس را تغییر می دهند (Gul et al., 1992; Krishnan et al., 1996). بنابراین، انتظار می رود شرکت های بزرگ تر به حسابرِس بزرگ تر و شرکت های کوچک تر به حسابرِس کوچک تر میل پیدا نمایند. برای اندازه گیری این متغیر (FmSize) از لگاریتم طبیعی درآمد فروش شرکت ها در سال تغییر حسابرِس استفاده می شود³. دیگر متغیر کنترلی در این پژوهش، اهرم مالی می باشد که نماینده نوع ساختار سرمایه است. تحقیقاتی وجود دارد که نشان می دهند اهرم مالی رابطه معنادار مثبت با تصمیم تغییر حسابرِس دارد (بینید: Rezazadeh & Zarei Moraveg, 2009). انتظار می رود شرکت های دارای اهرم بالاتر، بیشتر به مؤسسات حسابرِس کوچک رو بیاورند. بنی مهد و اکبری (Banimahd & Akbari, 2010) نشان دادند که اهرم به طور مثبت با تغییر حسابرِس مرتبط می باشد. در این مطالعه، این متغیر (LEV) از تقسیم کل بدهی ها به کل دارایی های در پایان دوره در سال تغییر حسابرِس محاسبه می شود. متغیر وضعیت سودآوری یا زیان دهی (Loss) یک متغیر مجازی می باشد. در صورتی که یک شرکت در سال قبل از تغییر زیان ده

3. به دلیل وجود تورم در ایران، از مبلغ جمع دارایی ها استفاده نشده است.

باشد، معادل 1 و در غیر این صورت، صفر در نظر گرفته می‌شود. همچنین، متغیر کنترلی سال (Years) شامل مجموعه‌ای از متغیرهای مجازی در نظر گرفته شده برای کنترل تأثیرات هر سال و متغیر کنترلی صنعت (Industries) شامل مجموعه‌ای از متغیرهای مجازی در نظر گرفته شده برای کنترل تأثیرات هر صنعت می‌باشند.

4. تجزیه و تحلیل آماری تحقیق

1,4 آمار توصیفی

جدول شماره 1، آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی را نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد که از بین 1220 مشاهده سال-شرکت طی دوره تحقیق، به‌طور میانگین 19 درصد (تعداد 226) تغییر حسابر س رخ داده؛ که از این مقدار 37 تغییر منفی ($0,163 * 226$) و 8 تغییر مثبت و مابقی (تعداد 181) تغییر بین مؤسسات حسابرسی کوچک (تغییر خنثی حسابر س) وجود داشته است. طبق اطلاعات این جدول، میانگین مالکیت درون و برون‌سازمانی به ترتیب حدود 63 و 11 درصد می‌باشد؛ که مطابق مهدوی و میدری (Mahdavi & Midri, 2005) نشان می‌دهد ساختار مالکیت در ایران از نوع متمرکز می‌باشد. در ارتباط با اندازه حسابر س نیز این جدول نشان می‌دهد که به‌طور میانگین 25 درصد شرکت‌ها از خدمات حسابرسی مستقل "سازمان حسابرسی" استفاده نموده‌اند و 66 درصد (به تعداد 809) اظهار نظر مشروط حسابرسی صادر شده است. سایر اطلاعات مرتبط با متغیرها را طی دوره تحقیق (سال‌های 1383 الی 1390) می‌توان در جدول شماره 2 نیز مشاهده نمود.

2,4 نتایج تحقیق

در جدول 3، نتایج آزمون فرضیه نخست پژوهش ارائه شده است. در جدول مذکور، مقدار ضریب متغیرهای مرتبط با فرضیه‌ها و سطح معناداری هر یک از متغیرها گزارش شده است. طبق فرضیه نخست، یک رابطه مثبت و معنادار میان مالکیت درون‌سازمانی و تغییر منفی حسابر س وجود دارد؛ که نتایج به‌دست آمده در حمایت از آن ($p\text{-value}=0.073$) می‌باشد. به‌عبارت دیگر، با افزایش مالکیت درون‌سازمانی احتمال تغییر منفی حسابر س (استفاده از حسابر س با کیفیت پایین تر) افزایش می‌یابد.

جدول 1. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر/آماره	تعداد مشاهدات	میانه	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
متغیرهای نسبی:					
مالکیت درون‌سازمانی	1220	67,47	23,79	0	97
مالکیت برون‌سازمانی	1220	4,73	18,64	0	98
اندازه شرکت	1220	12,49	1,36	9,16	18,4
اهرم مالی	1220	0,056	0,102	0	0,85
متغیرهای مجازی:					
تغییر حسابرس	1220		0,389		
تغییر خنثی حسابرس	226		0,40		
تغییر مثبت حسابرس	226		0,185		
تغییر منفی حسابرس	226		0,371		
اندازه حسابرس (AuSize1)	1220		0,434		
اظهار نظر حسابرس	1220		0,473		
عملکرد سال قبل	1220		0,289		

جدول 2 آماره‌های توصیفی طی دوره تحقیق

سال	تغییر حسابرس	تغییر مثبت حسابرس	تغییر منفی حسابرس	تغییر خنثی حسابرس	سازمان حسابرسی	اظهار نظر مشروط	عملکرد منفی
83	21	0	10	11	48	100	7
84	16	0	4	12	45	99	6
85	28	0	6	22	46	113	9
86	25	0	2	23	38	109	10
87	30	3	2	25	37	105	12
88	50	1	7	42	39	111	24
89	44	4	3	37	34	105	32
90	12	0	3	9	20	67	20
جمع	226	8	37	181	307	809	120

نتیجه به دست آمده، مطابق شواهد گزارش شده توسط ستایش و همکاران (Setayesh et al., 2010) همچنین استا (Osta, 2011) می‌باشد. آنها دریافتند که بین مالکیت مدیریتی و هموارسازی سود رابطه مثبتی وجود دارد. شواهد لین و لیو (Lin & Liu, 2010) نیز نشان داد افزایش مالکیت بزرگ‌ترین سهامدار در شرکت با تغییر منفی حسابرس وابسته است. این شواهد در راستای فرضیه

فرصت طلبی می باشد؛ و نشان می دهد که افزایش مالکیت درون سازمانی موجب افزایش هزینه های نمایندگی می شود.

در عین حال، این موضوع می تواند گویای این امر باشد که با افزایش مالکیت درون سازمانی، احتیاج مالکان عمده به حسابرس با کیفیت بالاتر کاهش می یابد. در ارتباط با سایر متغیرها، نتایج نشان می دهد که متغیر اندازه حسابرس ($p\text{-value}=0.000$) به طور مثبت و عملکرد منفی سال قبل شرکت ($p\text{-value}=0.047$) به طور منفی با تغییر منفی حسابرس وابسته می باشند. به عبارت دیگر، در صورتی که حسابرس شرکت "سازمان حسابرسی" باشد، احتمال تغییر آن به یک موسسه حسابرسی کوچک کمتر است؛ همچنین در صورت تجربه زیان در یک شرکت، احتمال اینکه حسابرس خود را به یک موسسه حسابرسی کوچک تر تغییر دهد، کمتر می باشد. یکی از دلایل این امر می تواند برگرداندن اطمینان و آبرو توسط شرکت های دارای زیان با به کارگیری حسابرسان با کیفیت بالاتر باشد.

نتایج مرتبط با سایر متغیرها شامل اندازه شرکت، اهرم مالی و اظهار نظر حسابرس معنادار نبود. در عین حال، علامت متغیر اظهار نظر حسابرس منفی و مطابق پیش بینی می باشد. به عبارت دیگر، دریافت اظهار نظر مشروط احتمال تغییر حسابرس را به حسابرس با کیفیت پایین تر افزایش می دهد. علامت مرتبط با متغیر اندازه شرکت برخلاف پیش بینی مثبت می باشد؛ که نشان می دهد احتمال تغییر منفی حسابرس در شرکت های بزرگ تر بیشتر است. استدلال این تحقیق بر پایه این عقیده بود از آنجا که تحلیل گران و جراید مالی تغییر حسابرس شرکت های بزرگ را به دقت دنبال می کنند، آنها کمتر انگیزه دارند که حسابرس شان را به یک حسابرس کوچک تر تغییر دهند. اما با توجه به این شواهد می توان استدلال نمود با توجه به اینکه این گونه شرکت ها بیشتر مورد تحلیل و ارزیابی توسط گروه های مختلف می باشند و به دلیل هزینه های سیاسی بالا در این شرکت ها، این شرکت ها بیشتر متمایل به به کارگیری حسابرسان با کیفیت پایین تر باشند. علامت متغیر اهرم مالی نیز برخلاف پیش بینی تحقیق مثبت بود. بنی مهد و اکبری (2010) (Banimahd & Akbari) نشان دادند که اهرم به طور مثبت با تغییر حسابرس مرتبط می باشد. نتایج این تحقیق نشان داد که تمایل تغییر حسابرس در شرکت های دارای اهرم بالاتر به سمت مؤسسات حسابرسی با کیفیت بالاتر می باشد. یکی از دلایل این امر می تواند نظارت بیشتر بر این شرکت ها توسط اعتباردهندگان باشد که مانع از آنها جهت به کارگیری مؤسسات با کیفیت پایین تر می شود.

نتایج آزمون فرضیه دوم در جدول 4 گزارش شده است. طبق این فرضیه، با افزایش مالکیت برون‌سازمانی، احتمال تغییر مثبت حسابرس افزایش می‌یابد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که مالکیت برون‌سازمانی ارتباط معناداری با تغییر مثبت حسابرس ندارد. به‌عبارت‌دیگر، میزان مالکیت برون‌سازمانی تأثیری بر نوع تغییر حسابرس ندارد. در ارتباط با سایر متغیرها، اندازه حسابرس (p -value= 0.002) و اظهارنظر سال قبل حسابرس (p -value= 0.033) ارتباط معناداری با تغییر مثبت حسابرس دارند. طبق شواهد به‌دست آمده، در صورتی که حسابرس شرکتی یک موسسه کوچک باشد، احتمال تغییر آن به "سازمان حسابرسی" کاهش می‌یابد. یکی از دلایل این امر می‌تواند افزایش روزافزون مؤسسات حسابرسی خصوصی باشد؛ که این امر باعث کاهش سهم بازار سازمان حسابرسی از خدمات حسابرسی مستقل می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که متغیر اظهارنظر حسابرس در سال قبل، ارتباط منفی و معناداری با تغییر مثبت حسابرس دارد. به‌بیان‌دیگر، در صورتی که اظهارنظر سال قبل شرکتی به‌صورت اظهارنظر مشروط منتشر شده باشد، احتمال تغییر حسابرس آن شرکت به یک موسسه حسابرسی بزرگ کاهش می‌یابد. شواهد به‌دست آمده مطابق نتایج تحقیقات گذشته (Gul et al., 1992؛ Lee et al., 2003؛ Hudaib & Cook, 2005؛ Banimahd & Akbari, 2010؛ Bagherpour et al., 2009) می‌باشد.

جدول 3. نتایج آزمون فرضیه نخست (تغییر منفی حسابرس)

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره والد	سطح معناداری
مالکیت درون‌سازمانی	0,054	0,037	2,111	0,073
اندازه حسابرس (Ausize1)	8,210	1,597	26,425	0,000
اظهارنظر حسابرس	-0,805	1,102	0,533	0,232
اندازه شرکت	0,196	0,513	0,146	0,351
اهرم مالی	-1,752	4,937	0,126	0,361
عملکرد سال قبل	-3,249	1,942	2,799	0,047
مقدار ثابت	-9,247	8,723	1,124	0,142
ضریب تعیین	0,844		درصد پیش‌بینی الگو	96,5%
کای دو	155,59			

جدول 4. نتایج آزمون فرضیه دوم (تغییر مثبت حسابرِس)

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره والد	سطح معناداری
مالکیت برون‌سازمانی	-0,04	0,073	0,304	0,29
اندازه حسابرِس (Ausize2)	-4,120	1,426	8,351	0,002
اظهارنظر حسابرِس	-2,699	1,474	3,353	0,033
اندازه شرکت	0,221	0,469	0,223	0,315
اهرم مالی	4,018	3,276	1,505	0,11
عملکرد سال قبل	1,817	1,527	1,416	0,117
مقدار ثابت	-26,34	0,00	0,00	0,00
ضریب تعیین	0,506		درصد پیش‌بینی الگو	96,9%
کای دو	32,394			

بدین ترتیب، می‌توان دریافت که شرکت‌ها با دریافت گزارش نامطلوب، به دنبال تغییر حسابرِس خود به یک حسابرِس با کیفیت پایین‌تر می‌باشند. یکی از دلایل این امر می‌تواند استفاده بیشتر این شرکت‌ها از حسابرسان با کیفیت پایین‌تر جهت بر ملا نشدن دست‌کاری‌های مالی‌شان باشد. نتایج در خصوص متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی و عملکرد سال قبل نیز معنادار نبود.

3,4 آزمون‌های اضافی

1,3,4 استفاده از سایر معیارهای مالکیت عمده

در این بخش، به جای استفاده از متغیرهای مالکیت درون و برون‌سازمانی، از سایر معیارهای مالکیت عمده شامل مجموع درصد مالکیت سهامداران عمده، تعداد سهامداران عمده و همچنین میزان درصد مالکیت متعلق به بزرگ‌ترین سهامدار شرکت استفاده می‌گردد. با جایگزینی متغیرهای جدید به تفکیک در مدل نخست تحقیق (تغییر منفی حسابرِس)، نتایج (در سطح خطای 5 درصد) نشان داد که با افزایش مالکیت سهامداران عمده همچنین مالکیت بزرگترین سهامدار شرکت احتمال تغییر منفی حسابرِس افزایش می‌یابد (مطابق نتایج Hassas Lin & Liu, 2010؛ Yeganeh & Shahriary, 2010). به عبارت دیگر، با افزایش مالکیت متمرکز شرکت‌ها، تمایل به تغییر و استفاده از حسابرسان با کیفیت پایین‌تر در آنها افزایش می‌یابد. در این ارتباط، حساس یگانه و شهریاری (Hassas Yeganeh & Shahriary, 2010) گزارش نمودند که نتایجشان در خصوص

سهامداران عمده مطابق فرضیه فرصت طلبی می‌باشد. با جایگزینی متغیرهای جدید در مدل دوم تحقیق، رابطه معناداری مشاهده نگردید. در ارتباط با متغیر تعداد سهامداران عمده، مطابق باقرپور و همکاران (Bagherpour et al., 2009) ارتباط معناداری مبنی بر تأثیر آن بر تغییر حسابرِس مشاهده نگردید. این نشان می‌دهد که نسبت به تعداد مالکان عمده، میزان مالکیت آنها بیشتر بر تصمیم تغییر حسابرِس بین شرکت‌ها تأثیرگذار می‌باشد. همچنین این شواهد حمایت قوی از نفوذ مالکان عمده بر تصمیمات هیات مدیره شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران دارد؛ و درعین حال که این شواهد در حمایت از فرضیه فرصت طلبی و منافع شخصی می‌باشد تا فرضیه نظارت.

2,3,4 عدم تفکیک نوع تغییر حسابرِس

در آزمون اضافی دیگر، کل تعداد تغییر حسابرِس در نمونه استخراج شده، مبنای تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که مالکیت درون‌سازمانی و برون‌سازمانی به ترتیب به‌طور مثبت و منفی (در سطح خطای 5 درصد) با تغییر حسابرِس در بورس اوراق بهادار تهران وابسته می‌باشند. بدین ترتیب، شواهد حمایت قوی از نفوذ کمتر مالکان خارجی نسبت به مالکان درون شرکتی بر تصمیمات هیات مدیره دارد. در ارتباط با متغیرهای مالکیتی جدید (کل مالکیت عمده، تعداد سهامدار عمده و درصد مالکیت سهامدار اصلی) شواهد خاصی مشاهده نگردید.

5. بحث و نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق، آزمون تجربی رابطه ویژگی‌های مالکیت عمده و نوع تغییر حسابرِس میان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. تمرکز مالکیت یکی از مکانیزم‌های مهم خارجی حاکمیت شرکتی می‌باشد؛ که می‌تواند بر تصمیمات شرکتی به خصوص تصمیم تغییر حسابرِس تأثیر داشته باشد. بررسی‌های انجام شده (مانند Mahdavi & Midri, 2005) نشان می‌دهد که ساختار مالکیت در بازار سرمایه ایران از نوع ساختار مالکیت متمرکز است؛ که اکثر سهام منتشرشده شرکت‌ها در اختیار افراد حقیقی یا حقوقی معدودی قرار دارد که اتفاقاً عضو هیات مدیره آن شرکت‌ها نیز می‌باشند. در ارتباط با نقش سهامداران عمده در شرکت‌های سهامی دو فرضیه متقابل مطرح می‌باشد؛ فرضیه نظارت فعال و فرضیه منافع شخصی (فرصت طلبی). یک تعداد از تحقیقات در حمایت از فرضیه نخست و یک سری در حمایت از فرضیه دوم می‌باشند.

نتایج این تحقیق نشان داد که مالکیت عمده درون‌سازمانی یک رابطه مثبت و معنادار با تصمیم تغییر (منفی) حسابرس در بورس اوراق بهادار تهران دارد. طبق شواهد به‌دست آمده، آنها بیشتر خواستار تغییر منفی حسابرس می‌باشند. به عبارت دیگر، سهامداران عمده درون‌سازمانی کمتر به دنبال حسابرسان با کیفیت بالا می‌باشند. یک دلیل برای این موضوع می‌تواند این باشد که سهامداران عمده درون‌سازمانی با به کارگیری حسابرسان با کیفیت پایین‌تر، به دنبال رسیدن به منافع شخصی خودشان می‌باشند. نتایج ابراهیمی کردلر و اعرابی (Ebrahimi Kordlor & Erabi, 2010)؛ استا (Osta, 2011)؛ فیصلی (Feisali, 2011) همچنین ترانگ و هنی (Truong & Heaney, 2007) در حمایت از این فرضیه می‌باشد. فیصلی (Feisali, 2011) دریافت هرچه نفوذ مدیران بیشتر باشد، احتمال انتخاب حسابرس با کیفیت بالا کاهش می‌یابد. ترانگ و هنی (Truong & Heaney, 2007) نیز دریافتند وقتی بزرگ‌ترین سهامدار داخلی باشد، مبالغ سود سهام کاهش می‌یابد. نتایج به‌دست آمده در خصوص انواع معیارهای مالکیت عمده در جدول 5 خلاصه شده است.

جدول 5. خلاصه نتایج به‌دست آمده تحقیق

متغیر مستقل - متغیر وابسته	تغییر منفی حسابرس	تغییر مثبت حسابرس ¹	تغییر حسابرس (کلی)
مالکیت عمده درون‌سازمانی	معنادار ⁺ /مثبت	بدون ارتباط	معنادار ^{**} /مثبت
مالکیت عمده برون‌سازمانی	بدون ارتباط	بدون ارتباط	معنادار ^{**} /منفی
کل مالکیت عمده	معنادار ^{**} /مثبت	بدون ارتباط	بدون ارتباط
تعداد سهامدار عمده	بدون ارتباط	بدون ارتباط	بدون ارتباط
مالکیت بزرگ‌ترین سهامدار	معنادار ^{**} /مثبت	بدون ارتباط	بدون ارتباط

*، ** و *** به ترتیب نشان‌دهنده نتایج در سطح خطای 10%، 5% و 1% می‌باشند.

در ارتباط با متغیرهای کنترل تحقیق، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اندازه موسسه حسابرسی و

1. به دلیل رشد زیاد موسسات حسابرسی خصوصی در مقابل تعداد بسیار اندک موسسه حسابرسی دولتی در ایران، نتایج مرتبط با تغییر مثبت حسابرس (تغییر از یک موسسه حسابرسی کوچک به سازمان حسابرسی) در هیچ یک از آزمون‌های تجربی انجام گرفته در این تحقیق معنادار نشد.

عملکرد سال قبل به ترتیب رابطه مثبت و منفی معنادار با تغییر منفی حسابرس دارند. همچنین نتایج حاکی از این است که اظهارنظر مشروط سال قبل حسابرس رابطه معکوس و معنادار با تغییر مثبت حسابرس دارد (مطابق Gul et al., 1992; Lee et al., 2003 و Bagherpour et al., 2009). در واقع، شرکت‌هایی که اظهارنظر مشروط دریافت می‌کنند کمتر علاقه‌مند به استفاده از خدمات موسسه حسابرسی بزرگ برای سال بعد خود می‌باشند. نتیجه به‌دست‌آمده در حمایت از طرفداران موضوع خرید اظهارنظر در بورس اوراق بهادار تهران باشد. در این ارتباط، بنی مهد و همکاران (Banimahd et al., 2013) گزارش نمودند که تغییر حسابرس بیشترین رابطه را با تغییر اظهارنظر حسابرسی دارد؛ که پدیده گزینش اظهارنظر در بازار حسابرسی ایران را تأیید می‌نماید. در نهایت، مطابق بنی مهد و اکبری (Banimahd & Akbari, 2010) می‌توان بیان نمود که پدیده تغییر حسابرس در بازار سرمایه ایران بیشتر تحت تأثیر عوامل غیرمالی می‌باشد تا متغیرهای حسابداری. این مطالعه می‌تواند از بعد نظری، با توجه به ساختار متمرکز مالکیتی در بازار سرمایه ایران به ادبیات تحقیق تغییر حسابرس همچنین تمرکز مالکیت، با نشان دادن نقش نظارتی سرمایه‌گذاران بلندمدت و میزان تأثیر آنها در تصمیمات مهم شرکتی کمک نماید. علاوه بر این، بررسی عوامل مؤثر بر تغییر حسابرس شرکت‌ها می‌تواند از نظر تدوین مقررات لازم برای افشای دلایل تغییر حسابرسان و بهبود حرفه حسابرسی، اهمیت بسزایی داشته باشد. بررسی این موضوع می‌تواند در جهت تقویت مبانی استقلال حسابرسان مؤثر بوده؛ که این امر موجبات اعتماد بیشتر سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه به گزارش‌های صادره حسابرسان گردد. همچنین باید یادآوری نمود که یافته‌های این مطالعه می‌تواند در بنا نهادن الگویی جهت پیش‌بینی تغییر حسابرسان به کار آید.

با عنایت به نتایج این تحقیق، پیشنهادهای زیر برای تحقیقات آتی ارائه می‌شود:

- بررسی پدیده مدیریت سود در بین شرکت‌های دارای تغییر حسابرس (منفی و مثبت).
- استفاده از سایر معیارهای اندازه‌گیری اندازه حسابرس و جهت شناخت رابطه آن با تصمیم تغییر حسابرس.
- بررسی سایر متغیرهایی که می‌تواند تصمیم تغییر حسابرس را تحت تأثیر قرار دهد از جمله خصوصیات هیات‌مدیره.
- تفکیک بیشتر نوع مالکیت سهامداران عمده به سهامداران عمده دولتی، سهامداران عمده از نوع نهادی و... جهت کسب شناخت دقیق‌تر از تأثیر تمرکز مالکیت بر تصمیم تغییر حسابرس.

➤ بررسی این موضوع با استفاده از تکنیک های آماری و مهندسی دیگر از جمله روشهای هوش مصنوعی.

در خصوص پیشنهاد اخیر، برای مثال موسوی شیرینی و همکاران (Mosavi Shiri et al., 2013) نشان دادند که روش k-نزدیک ترین همسایه به عنوان یک روش ناپارامتری نسبت به روش های سنتی آماری و روش های یادگیری ماشینی قادر به پیش بینی درماندگی مالی شرکت ها با دقت بهتری می باشد. در پایان، از جمله محدودیت های مهم این تحقیق می توان به نحوه اندازه گیری کیفیت حسابرسی اشاره نمود. در این تحقیق برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی مطابق سایر تحقیقات انجام شده از یک متغیر مصنوعی استفاده گردید. بدین صورت که "سازمان حسابرسی" به عنوان بزرگ ترین موسسه حسابرسی در ایران به عنوان حسابرس با کیفیت برتر و سایر مؤسسات حسابرسی (عضو جامعه حسابداران رسمی ایران) جزء حسابرسان با کیفیت پایین تر منظور شد. در یک طبقه بندی دیگر که توسط جامعه حسابداران رسمی ایران انجام گرفته بود، به دلیل محدودیت سنوات (از سال 1387 تا 1390) همچنین عدم شمول سازمان حسابرسی در فهرست مربوطه، از آن استفاده نگردید. پیشنهاد می گردد که از سایر متغیرهای موجود جهت اندازه گیری این متغیر جهت تقویت نتایج استفاده گردد.

References

- [1] Abbaszadeh, M. R, Kadivar, H; and Khorami, S. (2013). "Auditing density and auditing quality", 11th National Accounting Conference, Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian)
- [2] Abdullah, S.N; Mohamad Yusof, N.Z.; and Mohamad Nor, M.N. (2010). "Financial restatements and corporate governance among Malaysian listed companies", *Managerial Auditing Journal*, Vol.25, No.6, pp.526-552.
- [3] Abdullah, W. Z.W; Ismail, and Jamaluddin, N. (2008). "The impact of board composition, ownership and CEO duality on audit quality: The Malaysian evidence ", *Malaysian Accounting Review*, Vol 7, No 2, pp 16-28.
- [4] Adeyemi, S.B; Fagbemi, T.O. (2010). "Audit Quality, Corporate Governance and Firm Characteristics in Nigeria", *International Journal of Business and Management*, Vol. 5, No. 5, pp 169-179.
- [5] Bagherpour, M; Monroe, G.S; and Shailer, G. (2009). "Auditor switching in an increasingly competitive audit market", *SSRN Working Papers Series*, Pgs31.
- [6] Bagherpour, M. A; Meshkani, A, Olfat, A; and Bagheri, M. (2011). "Prediction of audit switching in Iran: A data mining approach", *Accounting*

- and Auditing Researches, Vol. 2, No. 2, pp. 9-24. (In Persian)
- [7] Banimahd, B; Akbari, R. (2010). "Investigation of the Association between Z'Altmans Bankruptcy Index and Auditor Change", Management Accounting, Vol. 3, No. 3, pp. 41-47. (In Persian)
- [8] Banimahd, B; Fallah Mirabbasi, S. (2010). "Association between accounting conservatism and auditor change of listed firms in Tehran Stock Exchange (TSE)", The Financial Accounting & Auditing Researches, Vol. 7, No. 2, pp. 69-93. (In Persian)
- [9] Banimahd, B; Moradzadeh Fard, M; and Zinali, M. (2013). "Relationship between Change of Independent Auditor and Change of Audit Opinion", Journal of Accounting Knowledge, Vol. 4, No. 14, pp. 91-108. (In Persian)
- [10] Ben Ali, C; Lesage, C. (2010). "Ownership concentration and audit fees: do auditors matter most when investors are protected least?" downloaded from <http://hal.archives-ouvertes.fr>.
- [11] Boloo, G; Maham, K; and Godarzi, E. (2010). "Independent Auditor Changes and Information Transparency of Listed companies in Tehran Stock Exchange (TSE) ", Journal of Accounting Knowledge, Vol. 1, No. 1, pp. 111-135. (In Persian)
- [12] Byun, H.Y; Hwang, L.S; and lee, W.J. (2011). "How does ownership concentration exacerbate information asymmetry among equity investors?" Pacific-Basin Finance Journal, Vol.19, pp. 511-534.
- [13] Chi, W; Huang, H. (2005). Discretionary Accruals, Audit-firm Tenure and Audit-partner Tenure: Empirical Evidence from Taiwan. Journal of Contemporary Accounting and Economics,1(1), 65-92.
- [14] Choi, S; Choi, Y; Gui, F; and Lee, W. (2015). "The impact of mandatory versus voluntary auditor switches on stock liquidity: Some Korean evidence", The British Accounting Review, Vol. 47, pp. 100-116.
- [15] Cohen, D.A; Dey, A; Lys, T.Z. (2008). Real and Accrual-Based Earnings Management in the Pre- and Post-Sarbanes-Oxley Periods. Accounting Review, 83(3), 757-787.
- [16] DavidsonIII, W.N; Jiraporn, P; and DaDalt, P. (2005). "Causes and consequences of audit shopping: An analysis of auditor opinions, earnings management and auditor changes", SSRN Working Papers Series.
- [17] Ebrahimi Kordlor, A; Erabi, M. J. (2010). "Ownership Concentration and Earnings Quality in the Listed Companies in Tehran's Stocks Exchange", Financial Accounting Researches, Vol. 2, No. 4, pp. 95-110. (In Persian)
- [18] Fan, J.P.H and Wong, T.J. (2002). "Corporate ownership structure and the informativeness of accounting earnings in East Asia", Journal of Accounting and Economics, Vol. 33, pp. 401-425.
- [19] Feisali, I. (2011). "Effect of corporate governance on selected auditor type", Master's Dissertation, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. (In Persian)
- [20] Firth, M. Fung, P.M.Y. and Rui, O.M. (2007). "Ownership, two-tier board structure, and the informativeness of earnings: Evidence from China", Journal

- of Accounting and Public Policy 29, pp. 463-496.
- [21] GAO (Government Accountability Office). (2003). Required Study on the Potential Effects of Mandatory Audit Firm Rotation.
- [22] Gul, F; Lee, D; and Lynn, M. (1992). "A note on audit qualifications and switches: Some further evidence from a small sample study", *Journal of International Accounting, Auditing*, Vol.1; iss1; pp.111-120.
- [23] Hamekhani, S; Parvare, Y. (2012). "Investigation factors of auditor change in Iran", *The First Regional Conference in New Research and Solutions in Accounting and Management*, Shafagh Tonekabon high-education institution. (In Persian)
- [24] Han, S; Kang, T; and Rees, L. (2009). "The association between institutional ownership and audit properties", *SSRN Working Papers Series*.
- [25] Hassas Yeganeh, Y; Shahriary, A. R. (2010). "Concentrated Ownership and Conservatism Evidence from Tehran Stock Exchange", *Financial Accounting Researches*, Vol. 2, No. 2, pp. 77-94. (In Persian)
- [26] Hudaib, M; T.E, Cooke. (2005). "The Impact of Managing Director Changes and Financial Distress on Audit Qualification and Auditor Switching", *Journal of Business Finance&Accounting*, 32(9) & (10), pp 1703-1739.
- [27] International Organization of Securities Commissions (IOSCO). (2005). *Strengthening capital markets against financial fraud*. Madrid, Spain: IOSCO.
- [28] Jensen, M. C; Meckling, W.H. (1976). "Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure", *Journal of Financial Economics*, 3, pp 305-360.
- [29] Jung, K; Kwon, S.Y. (2002). "Ownership structure and earnings informativeness: Evidence from Korea", *The International Journal of Accounting*, Vol, 37, pp.301-325.
- [30] Karami, G. R; Hoseini, A, and Hasani, A. (2010). "Studying relationship between corporate governance mechanisms and conservatism of listed firms in TSE", *Accounting and Auditing Researches*, Vol. 2, No. 7, pp. 86-99. (In Persian)
- [31] Kim, J.-B., Min, C.-K., & Yi, C. H. (2004). "Selective auditor rotation and earnings management: Evidence from Korea". Working paper. Hong Kong Polytechnic University.
- [32] Krishnan, J; Krishnan, J and Stephens R.G. (1996). "The Simultaneous Relation Between Auditor Switching and Audit Opinion: An Empirical Analysis ", *Accounting and Business Research*. Vol. 26, No. 3, 224-236.
- [33] Krishnan, V. G. (2007). "Did earnings conservatism increase for former Andersen clients?". *Journal of accounting, auditing and finance*. Vol, 22. Pp. 141-163.
- [34] Lee, Ho Young; O'Keefe, Terry; and Stein, Mike. (2003). "Client characteristics, abnormal accruals and auditor switches: An empirical study", *Asia-Pac fic Journal of Accounting & Economics*, No.10, pp 31-
- [35] Lin, Z.J; Liu, M. (2010). "The determinants of auditor switching from the

- perspective of corporate governance in China", *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, Vol26, pp.117-127.
- [36] Mahdavi, G. H; Monfared Maharloei, M; and Erahimi, F. (2011). "The Effect of Corporate Governance on Auditor's Choice for the Companies Listed in Tehran Stock Exchange ", *Quarterly Journal of Securities Exchange Journal*, Vol. 4, No. 13, pp. 135-155. (In Persian)
- [37] Mahdavi, A. G; Midri, A. (2005). "Ownership structure and efficiency of listed firms in TSE", *Journal of Economic Researches*, No. 71, pp. 107-132. (In Persian)
- [38] Mahdavi, G. H; Ebrahimi, S. (2010). "Auditor change: Red or green light?", *Auditor*, No. 49, pp. 115-123. (In Persian)
- [39] Mashayekh, S; Abdolahi, M. (2011). "Investigating the Relation Between Ownership Concentration, Firm Performance and Dividend Policy in the Companies Listed in Tehran Stock Exchange", *Financial Accounting Researches*, Vol. 3, No. 4, pp. 71-86. (In Persian)
- [40] Mitra, S; Jaggi, B; and Al-Hayale, T. (2015). "Auditor's Downward Switch, Governance, and Accounting Conservatism", *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, online publish, July 07, pp. 1-31.
- [41] Moharami, B. (1999). "Importance of auditing firm features in auditor selection process by firms and auditor change of Iranian corporations", *Master's Dissertation*, Tehran University. (In Persian)
- [42] Mosavi Shiri, M; Bafandeh Imandost, S; and Boland Raftar Pasikhani, M. (2013). " Application of K-Nearest Neighbor (KNN) for Predicting Corporate Financial Distress in Tehran Stock Exchange", *Financial-Monetary Economics (prior Knowledge and Development)*, Vol. 20, No. 6, pp. 48-66. (In Persian)
- [43] Myer, J.N. (2005). *The length of auditor-client relationships and financial statement restatements*. Doctoral Dissertation, Texas A&M University.
- [44] Nikomaram, H; Movakel, E. (2014). "Affecting factors on auditor change from corporate governance approach", *The Financial Accounting and Auditing Researches*, Vol. 6, No. 24, pp. 1-20. (In Persian)
- [45] Nonahal Nahr, A. A; Jabarzadeh Kangarloei, S; and Pourkarim, Y. (2010). "The Relationship between Auditor Quality and Accrual Reliability", *Journal of Accounting and Auditing Review*, Vol. 17 No. 61, pp. 55-70. (In Persian)
- [46] Osta, S. (2011). "Investigating the relationship between Ownership Structure and Earning Management", *Financial Accounting Researches*, Vol. 3, No. 2, pp. 93-106. (In Persian)
- [47] Rezaazadeh, J, Zarei Moraveg, K. (2009). "Affecting factors on auditor change in Iranian corporations", *Accounting Study Quarterly*, Vol. 20, pp. 89-105. (In Persian)
- [48] Rohi, A; Imanzadeh, P. (2009). "Studying reasons of auditors change of listed firms in TSE", *The Financial Accounting & Auditing Researches*, Vol. 4, No. 1, pp. 185-198. (In Persian). (In Persian)
- [49] Tehran Stock Exchange. (2007). "Act of trustful auditing firms of stock exchange", Tehran, Iran. (In Persian)

- [50] Truong, T; Heaney, R. (2007). "Largest shareholder and dividend policy around the world", *The Quarterly Review of Economics and Finance*, Vol, 47, pp.667-687.
- [51] Tu, Guoqian. (2012). "Controller changes and auditor changes", *China Journal of Accounting Research*, No.5, pp45-58.
- [52] Sadeghi, H; Rahimi, P; and Salmani, Y. (2014). "The Effect of Macroeconomic and Governance Factors on Financial Distress in Manufacture Firms Listed in Tehran Stock Exchange", *Financial-Monetary Economics (prior Knowledge and Development)* Vol. 21, No. 18, pp. 107-127. (In Persian)
- [53] Sajjadi, H; Zaranejad, M; and Jafari, A. R. (2009). "The Effect of Corporate Attributes on Quality of Financial Information Reporting of the Listed Companies in Tehran Stock Exchange", *Journal of Accounting and Auditing Review*, Vol. 16, No. 57, pp. 51-68. (In Persian)
- [54] Schneider; A. (2015). "Does information about auditor switches affect investing decisions?", *Research in Accounting Regulation*, Vol. 27, pp. 39-44.
- [55] Setayesh, M. H; Ghorbani, A; and Golmohamadi, M. (2010). "Studying effects of corporate governance on earnings smoothing of listed firms in TSE", *Accounting and Auditing Researches*, Vol. 2, No. 7, pp. 34-51. (In Persian)
- [56] Stanley,J; DeZoort,F.T. (2007). Audit firm tenure and financial restatements: An analysis of industry specialization and fee effects. *Journal of Accounting and Public Policy*, 26, 131–159.
- [57] Vito, J.D; Laurin, C.I; and Bozec, Y. (2008). "Corporate ownership structure and innovation in Canada", *SSRN Working Papers Series*.
- [58] Zhong, K; Gribbin, D.W; and Zheng, X. (2007). "The effect of monitoring by outside blockholders on earnings management", *Quarterly Journal of Business and Economics*.